

حدیث اول



1 - قَالَ الْأَمَامُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) : إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَ عِنْدَ الْأَذَانِ، وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ، وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّفَّيْنِ لِلشَّهَادَةِ، وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ. (1)

حضرت امیر المومنین امام علی (علیه السلام) فرمود: پنج موقع را برای دعا و حاجت خواستن غنیمت شمارید:

موقع تلاوت قرآن، موقع اذان، موقع بارش باران، موقع جنگ و جهاد - فی سبیل اللہ - موقع ناراحتی و آه کشیدن مظلوم. در چنین موقعیت ها مانعی برای استجاب دعا نیست.

حدیث دوم

2- قَالَ (عليه السلام): الْعِلْمُ وَرِاثَةٌ كَرِيمَةٌ، وَ الْأَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَ الْفِكْرَةُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ، وَ الْأَعْتِذَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ، وَ كَفَى بِكَ أَدَبًا تَرْكُكَ مَا كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ. (2)

فرمود: علم؛ ارثیه ای با ارزش، و ادب؛ زیوری نیکو، و اندیشه؛ آئینه ای صاف، و پوزش خواستن؛ هشدار دهنده ای دلسوز خواهد بود. و برای با ادب بودن همین بس که آنچه برای خود دوست نداری، در حق دیگران روا نداشته باشی.

حدیث سوم

3- قَالَ (عليه السلام): الْحَقُّ جَدِيدٌ وَ إِنَّ طَالَتِ الْأَيَّامُ، وَ الْبَاطِلُ مَخْذُولٌ وَ إِنَّ نَصْرَهُ أَقْوَامٌ. (3)

فرمود: حق و حقیقت در تمام حالات جدید و تازه است گر چه مدتی بر آن گذشته باشد. و باطل همیشه پست و بی اساس است گر چه افراد بسیاری از آن حمایت کنند.

حدیث چهارم

4- قَالَ (عليه السلام): الدُّنْيَا تُطْلَبُ لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْغِنَى، وَ الْعِزُّ، وَ الرَّاحَةُ، فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَ مَنْ قَنَعَ إِسْتَعْنَى، وَ مَنْ قَلَّ سَعْيُهُ إِسْتَرَاخَ. (4)

فرمود: دنیا و اموال آن، برای سه هدف دنبال می شود: بی نیازی، عزت و شوکت، آسایش و آسوده بودن. هر که زاهد باشد؛ عزیز و با شخصیت است، هر که قانع باشد؛ بی نیاز و غنی گردد، هر که کمتر خود را در تلاش و زحمت قرار دهد؛ همیشه آسوده و در آسایش است.

حدیث پنجم

5- قَالَ (عليه السلام): لَوْ لَا الدِّينُ وَ التَّقَى، لَكُنْتُ أَذْهَى الْعَرَبِ. (5)

فرمود: چنانچه دین داری و تقوای الهی نمی بود، هر آینه سیاستمدارترین افراد بودم - ولی دین و تقوا مانع

حدیث ششم

6- قَالَ(عليه السلام): الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَخْشَى اللَّهَ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تَعْجَبَ بِعِلْمِكَ.(6)

فرمود: ملوک بر مردم حاکم هستند و علم بر تمامی ایشان حاکم خواهد بود، تو را در علم کافی است که از خداوند ترسناک باشی؛ و به دانش و علم خود بالیدن، بهترین نشانه نادانی است.

حدیث هفتم

7- قَالَ(عليه السلام): مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ: يَا بْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ. فَقُلْ فِي خَيْرٍ، وَاعْمَلْ فِي خَيْرٍ، أَشْهَدُ لَكَ بِهِ فِي الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ أَبَدًا.(7)

فرمود: هر روزی که بر انسان وارد شود، گوید: من روز جدیدی هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد می باشم. سعی کن سخن خوب و مفید بگوئی، کار خوب و نیک انجام دهی. من در روز قیامت شاهد اعمال و گفتار تو خواهم بود. و بدان امروز که پایان یابد دیگر مرا نخواهی دید و قابل جبران نیست.

حدیث هشتم

8- قَالَ(عليه السلام): فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ، كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ.(8)

فرمود: مریضی کودک، کفاره گناهان پدر و مادرش می باشد.

حدیث نهم

9- قَالَ (عليه السلام): الرُّبِيبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ، وَ يُذْهِبُ بِالْمَرَضِ، وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ. (9)

فرمود: خوردن مویز - کشمش سیاه - قلب را تقویت، مرض ها را برطرف، و حرارت بدن را خاموش، و روان را پاک می گرداند.

حدیث دهم

10- قَالَ (عليه السلام): أَطْعَمُوا صَبْيَانَكُمْ الرُّمَانَ، فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِلْإِسْنَتِهِمْ. (10)

فرمود: به کودکان خود انار بخورانید تا زبانشان بهتر و زودتر باز شود.

حدیث یازدهم

11- قَالَ (عليه السلام): أَطْرِفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمْعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ، كَيْ يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ. (11)

فرمود: در هر شب جمعه همراه با مقداری میوه - یا شیرینی،... - بر اهل منزل و خانواده خود وارد شوید تا موجب شادمانی آن ها در جمعه گردد.

حدیث دوازدهم

12- قَالَ (عليه السلام): كُلُوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ

فرمود: آنچه اطراف ظرف غذا و سفره می ریزد جمع کنید و بخورید، که همانا هرکس آن ها را به قصد شفا میل نماید، به اذن حق تعالی شفای تمام دردهای او خواهد شد.

حدیث سیزدهم

13- قَالَ (عليه السلام): لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَتَّقِيَ بِخَصْلَتَيْنِ: الْعَافِيَةَ وَالْغَنَى، بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافً إِذْ سَقُمَ، وَ بَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذْ افْتَقَرَ. (13)

فرمود: سزاوار نیست که بنده خدا، در دوران زندگی به دو خصوصیت اعتماد کند و به آن دلبسته باشد: یکی عافیت و تندرستی و دیگری ثروت و بی نیازی است. زیرا چه بسا در حال صحت و سلامتی می باشد ولی ناگهان انواع مریضی ها بر او عارض می گردد و یا آن که در موقعیت و امکانات خوبی است، ناگهان فقیر و بیچاره می شود، - پس بدانیم که دنیا و تمام امکانات آن بی ارزش و بی وفا خواهد بود و تنها عمل صالح مفید و سودبخش می باشد - .

حدیث چهاردهم

14- قَالَ (عليه السلام): لِلْمُرَأِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أُتْنِيَ عَلَيْهِ، وَ يَنْقُصُ إِذَا دُمَّ. (14)

فرمود: برای ریاکار سه نشانه است: در تنهایی کسل و بی حال، در بین مردم سرحال و بانشاط می باشد. هنگامی که او را تمجید و تعریف کنند خوب و زیاد کار می کند و اگر انتقاد شود سستی و کم کاری می کند.

حدیث پانزدهم

15- قَالَ (عليه السلام): أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: قُلْ لِقَوْمِكَ لَا يَلْبِسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي، وَ لَا يَتَشَكَّلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي. (15)

فرمود: خداوند تبارک و تعالی بر یکی از پیامبرانش وحی فرستاد : به اَمت خود بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا میل نکنند و هم شکل دشمنان من نگردند، وگرنه ایشان هم دشمن من خواهند بود.

حدیث شانزدهم

16- قَالَ (عليه السلام): الْعُقُولُ أَيْمَةُ الْأَفْكَارِ، وَ الْأَفْكَارُ أَيْمَةُ الْقُلُوبِ، وَ الْقُلُوبُ أَيْمَةُ الْحَوَاسِّ، وَ الْحَوَاسُّ أَيْمَةُ الْأَعْضَاءِ. (16)

فرمود: عقل هر انسانی پیشوای فکر و اندیشه اوست؛ و فکر پیشوای قلب و درون او خواهد بود؛ و قلب پیشوای حواس پنج گانه می باشد، و حواس پیشوای تمامی اعضاء و جوارح است.

حدیث هفدهم

17- قَالَ (عليه السلام): تَفَضَّلْ عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَ اسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَ افْتَقِرْ إِلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ. (17)

فرمود: بر هر که خواهی نیکی و احسان نما، تا رئیس و سرور او گردی؛ و از هر که خواهی بی نیازی جوی تا همانند او باشی. و خود را نیازمند هر که خواهی بدان - و از او تقاضای کمک نما - تا اسیر او گردی.

حدیث هجدهم

18- قَالَ (عليه السلام): أَعَزُّ الْعِرْزِ الْعِلْمُ، لِإِنَّ بِهِ مَعْرِفَةَ الْمَعَادِ وَ الْمَعَاشِ، وَ أَذَلُّ الذُّلِّ الْجَهْلُ، لِإِنَّ صَاحِبَهُ أَصَمُّ، أَبْكَمُّ، أَعْمَى، حَيْرَانٌ. (18)

فرمود: عزیزترین عزّت ها علم و کمال است، برای این که شناخت معاد و تأمین معاشِ انسان، به وسیله آن انجام می پذیرد. و پست ترین ذلّت ها جهل و نادانی است، زیرا که صاحبش همیشه در کوری و لالی و کوری می باشد و در تمام امور سرگردان خواهد بود.

حدیث نوردهم

19- قَالَ (عليه السلام): جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ، وَ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافاً حَوْلَ الْبَيْتِ، وَ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً مَقْبُولَةً، وَ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ، وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: أَنَّ الْجَنَّةَ وَ جَبَّتْ لَهُ. (19)

فرمود: یک ساعت در محضر علماء نشستن - که انسان را به مبدأ و معاد آشنا سازند - از هزار سال عبادت نزد خداوند محبوب تر خواهد بود. توجّه و نگاه به عالم از اعتکاف و یک سال عبادت - مستحبّی - در خانه خدا بهتر است. زیارت و دیدار علماء، نزد خداوند از هفتاد مرتبه طواف اطراف کعبه محبوب تر خواهد بود، و نیز افضل از هفتاد حجّ و عمره قبول شده می باشد. همچنین خداوند او را هفتاد مرحله ترفیع درجه می دهد و رحمت و برکت خود را بر او نازل می گرداند، و ملائکه شهادت می دهند به این که او اهل بهشت است.

حدیث بیستم

20- قَالَ (عليه السلام): يَا ابْنَ آدَمَ، لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ، فَإِنْ يَكُنْ بَقِيَ مِنْ أَجَلِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فِيهِ يَرْزُقُكَ. (20)

فرمود: ای فرزند آدم، غُصّه رزق و آذوقه آن روزی که در پیش داری و هنوز نیامده است نخور، زیرا چنانچه زنده بمانی و عمرت باقی باشد خداوند متعال روزی آن روز را هم می رساند.

حدیث بیست یکم

21- قَالَ (عليه السلام): قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ شُجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ نَفَقَتِهِ، وَ صِدَاقَتُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ. (21)

فرمود: ارزش هر انسانی به قدر همت اوست، و شجاعت و توان هر شخصی به مقدار گذشت و احسان اوست، و درستکاری و صداقت او به قدر جوانمردی اوست، و پاکدامنی و عفت هر فرد به اندازه غیرت او خواهد بود.

حدیث بیست دوم

22- قَالَ (عليه السلام): مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ أَخِيهِ تَبَرَّكَ بِهِ، خَلَقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَلِكًا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ. (22)

فرمود: کسی که دهن خورده برادر مؤمنش را به عنوان تبرک میل نماید، خداوند متعال ملکی را مأمور می گرداند تا برای آن دو نفر تا روز قیامت طلب آمرزش و مغفرت نماید.

حدیث بیست سوم

23- قَالَ (عليه السلام): لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَ رَجُلٌ يَتَدَارَكُ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (23)

فرمود: خیر و خوبی در دنیا وجود ندارد مگر برای دو دسته: دسته اول آنان که سعی نمایند در هر روز، نسبت به گذشته کار بهتری انجام دهند. دسته دوم آنان که نسبت به خطاها و گناهان گذشته خود پشیمان و سرافکنده گردند و توبه نمایند، و توبه کسی پذیرفته نیست مگر آن که با اعتقاد بر ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

حدیث بیست چهارم

24- قَالَ (عليه السلام): عَجِبْتُ لِابْنِ آدَمَ، أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ، وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ، وَ هُوَ قَائِمٌ بَيْنَهُمَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ، ثُمَّ يَتَكَبَّرُ. (24)

فرمود: تعجب می کنم از کسی که اولش قطره ای آب ترش شده و عاقبتش لاشه ای متعفن - بد بو - خواهد بود و خود را ظرف فضولات قرار داده است، با این حال تکبر و بزرگ منشی هم می نماید.

حدیث بیست پنجم

25- قَالَ (عليه السلام): إِيَّاكُمْ وَالدِّينَ، فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ ذُلٌّ بِالنَّهَارِ. (25)

فرمود: از گرفتن نسیه و قرض، خود را برهانید، چون که سبب غم و اندوه شبانه و ذلت و خواری در روز خواهد گشت.

حدیث بیست ششم

26- قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَنْتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ، تُلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ مِنَ دَوَابِّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ. (26)

فرمود: آن عالم و دانشمندی که علم خود را - در بیان حقایق - برای دیگران کتمان کند، روز قیامت با بدترین بوها محشور می شود و مورد نفرت و نفرین تمام موجودات قرار می گیرد.

حدیث بیست هفتم

27- قَالَ (عليه السلام): يَا كُمَيْلُ، قُلِ الْحَقَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَوَادِدِ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ. (27)

فرمود: در هر حالتی حق را بگو و مدافع آن باش، دوستی و معاشرت با پرهیزگاران را ادامه ده، و از فاسقین و معصیت کاران کناره گیری کن، و از منافقان دوری و فرار کن، و با خیانتکاران همراهی و هم نشینی منما.

حدیث بیست هشتم

28- قَالَ (عليه السلام): فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ (عليه السلام): سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ. (28)

ضمن سفارشی به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمود: پیش از آن که بخواهی مسافرت بروی، رفیق مناسب راه را جویا باش، و پیش از آن که منزلی را تهیه کنی همسایگان را بررسی کن که چگونه هستند.

حدیث بیست نهم

29- قَالَ (علیه السلام): إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ. (29)

فرمود: فخر کردن انسان به خودش، نشانه کم عقلی او می باشد.

حدیث سیم

30- قَالَ (علیه السلام): أَيُّهَا النَّاسُ، إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيَّةٍ. (30)

فرمود: ای گروه مردم، نسبت به محبت و علاقه به دنیا مواظب باشید، چون که علاقه و محبت به دنیا اساس هر خطا و انحرافی است، و دروازه هر بلا و گرفتاری است، و نزدیک کننده هر فتنه و آشوب؛ و نیز آورنده هر مصیبت و مشکلی است.

حدیث سی یکم

31- قَالَ (علیه السلام): السُّكْرُ أَرْبَعُ السُّكْرَاتِ: سُكْرُ الشَّرَابِ، وَسُكْرُ الْمَالِ، وَسُكْرُ النَّوْمِ، وَسُكْرُ الْمُلْكِ. (31)

فرمود: مستی در چهار چیز است: مستی از شراب (و خمر)، مستی مال و ثروت، مستی خواب، مستی ریاست و مقام.

حدیث سی دوم

32۔ قَالَ (عليه السلام): أَلِّسَانٌ سَبَّحَ إِنْ خُلِّيَ عَنْهُ عَقَرَ. (32)

فرمود: زبان، همچون درّنده ای است که اگر آزاد باشد زخم و جراحت (سختی به جسم و ایمان) خواهد زد.

حدیث سی سوم

33۔ قَالَ (عليه السلام): يَوْمَ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ. (33)

فرمود: روز داد خواهی مظلوم بر علیه ظالم سخت تر است از روزی که ظالم ستم بر مظلوم می کند.

حدیث سی چهارم

34۔ قَالَ (عليه السلام): فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ، وَخَبَرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ. (34)

فرمود: قرآن احوال گذشتگان، و اخبار آینده را در بردارد، و شرح وظایف شما را بیان کرده است.

حدیث سی پنجم

35۔ قَالَ (عليه السلام): نَزَلَ الْقُرْآنُ أَثْلَاثًا، ثُلُثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا، وَثُلُثٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ، وَثُلُثٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ. (35)

فرمود: نزول قرآن بر سه قسمت است: یک قسمت آن درباره اهل بیت عصمت و طهارت : و دشمنان و مخالفان ایشان; و قسمت دیگر آن، اخلاقیات و ضرب المثلها; و قسمت سوّم در بیان واجبات و احکام الهی می باشد.

حدیث سی ششم

36- قَالَ (عليه السلام): الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. (36)

فرمود: مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد و دیگران از او در امنیت و آسایش باشند.

حدیث سی هفتم

37- قَالَ (عليه السلام): كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بِذُلِّ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَذَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ. (37)

فرمود: خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است. پس جهاد مرد، آن است که از مال و جانش بگذرد تا جایی که در راه خدا کشته و شهید شود. و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و جوانمردی او صبر نماید.

حدیث سی هشتم

38- قَالَ (عليه السلام): فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عُلِمَ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ. (38)

فرمود: در تغییر و دگرگونی حالات و حوادث، فطرت و حقیقت اشخاص شناخته می شود.

حدیث سی نهم

39- قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٍ. (39)

فرمود: امروزه در دنیا زحمت و فعالیت، بدون حساب است و فردای قیامت، حساب و بررسی اعمال و دریافت پاداش است.

حدیث چهلهم

40- قَالَ (عليه السلام): إِيْتَقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (40)

فرمود: دوری و اجتناب کنید از معصیت های الهی، حتی در پنهانی، پس به درستی که خداوند شاهد اعمال و نیات است؛ و نیز او حاکم و قاضی خواهد بود.

پاورقیها:

- [1] - أمالی صدوق : ص 97، بحار الأنوار: ج 90، ص 343، ح 1.
- [2] - أمالی طوسی : ج 1، ص 114 ح 29، بحار الأنوار: ج 1، ص 169، ح 20.
- [3] - وسائل الشیعة: ج 25، ص 434، ح 32292.
- [4] - وافى: ج 4، ص 402، س 3.
- [5] - أعيان الشیعة: ج 1، ص 350، بحار الأنوار: ج 41، ص 150، ضمن ح 40.
- [6] - أمالی طوسی: ج 1، ص 55، بحار الأنوار: ج 2، ص 48، ح 7.
- [7] - أمالی صدوق: ص 95، بحار الأنوار: ج 68، ص 181، ح 35.
- [8] - بحار الأنوار: ج 5، ص 317، ح 16، به نقل از ثواب الأعمال.
- [9] - أمالی طوسی : ج 1، ص 372، بحار الأنوار: ج 63، ص 152، ح 5.
- [10] - أمالی طوسی: ج 1، ص 372، بحار الأنوار: ج 63، ص 155، ح 5.
- [11] - عدة الدّاعي: ص 85، ص 1، بحار الأنوار: ج 101، ص 73، ح 24.
- [12] - مستدرک الوسائل : ج 16، ص 291، ح 19920.

- [13] - بحار الأنوار: ج 69، ص 68، س 2، ضمن ح 28.
- [14] - محبّة البيضاء: ج 5، ص 144، تنبيه الخواطر: ص 195، س 16.
- [15] - مستدرک الوسائل: ج 3، ص 210، ح 3386.
- [16] - بحار الأنوار: ج 1، ص 96، ح 40.
- [17] - بحار الأنوار: ج 70، ص 13.
- [18] - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلوانى: ص 70، ح 65.
- [19] - عدّة الدّاعي: ص 75، س 8، بحار الأنوار: ج 1، ص 205، ح 33.
- [20] - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلوانى: ص 52، ح 26.
- [21] - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر حلوانى: ص 46، ح 12.
- [22] - اختصاص شيخ مفيد: ص 189، س 5.
- [23] - وسائل الشيعة: ج 16 ص 76 ح 5.
- [24] - وسائل الشيعة: ج 1، ص 334، ح 880.
- [25] - وسائل الشيعة: ج 18، ص 316، ح 23750.
- [26] - وسائل الشيعة: ج 16، ص 270، ح 21539.
- [27] - تحف العقول: ص 120، بحار الأنوار: ج 77، ص 271، ح 1.
- [28] - بحار الأنوار: ج 76، ص 155، ح 36، و ص 229، ح 10.
- [29] - اصول كافى: ج 1، ص 27، بحار الأنوار: ج 1، ص 161، ح 15.
- [30] - تحف العقول: ص 152، بحار الأنوار: ج 78، ص 54، ح 97.
- [31] - خصال : ج 2، ص 170، بحار الأنوار: ج 73، ص 142، ح 18.
- [32] - شرح نهج البلاغه ابن عبده: ج 3، ص 165.
- [33] - شرح نهج البلاغه فيض الاسلام: ص 1193.
- [34] - شرح نهج البلاغه فيض الاسلام: ص 1235.
- [35] - اصول كافى، ج 2، ص 627، ح 2.
- [36] - بحار الأنوار: ج 75، ص 53، ح 10.
- [37] - وسائل الشيعة: ج 15، ص 23، ح 19934.
- [38] - شرح نهج البلاغه فيض الإسلام: ص 1183.
- [39] - شرح نهج البلاغه ابن عبده: ج 1، ك 41.
- [40] - شرح نهج البلاغه ابن عبده: ج 3، ص 324.